

رسم انداختن

دختر زیبا

در رود نیل

درباره: الحاج سعید سعید
موضوع: عید دختر زیبا

۱۳۹۶



www.masjed.se

تتبع ونگارش:
الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان و
مسؤل مرکز فرهنگی بحق لاره - جرمنی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

رسم انداختن

دختر زیبا در رود نیل

مصر باستان سرزمین فراغنه بود و آثار تاریخی مهمی از جمله اهرام ثلاثه و سایر آثار تاریخی را دارا میباشد. بسیاری از پیامبران بزرگ مانند حضرت یوسف (ع) و حضرت موسی (ع) نیز در همان دوران در سرزمین مصر ظهور کردند.

در سال 332 ق.م اسکندر این سرزمین را تصرف کرد. در سال 641 میلادی (19 هجری قمری) در زمان خلافت امیر المومنین حضرت عمر (رض) این کشور توسط مسلمانان فتح شد. از آن زمان مصر همواره از سرزمین‌های مهم برای حکومت اسلامی بوده و تا سال 1517 میلادی که دولت عثمانی بر مصر تسلط یافت در دست خلفای اموی و عباسی و فاطمی بود. در سال 1798 ناپلئون به آنجا لشکر کشید و در سال 1805 میلادی محمد علی پاشا از طرف دولت عثمانی حاکم آنجا شد و سلسله جدید حکومت بر مصر را تشکیل داد.

کشور مصر یکی از قدیمی‌ترین کشورهای جهان بوده در حدود 4 هزار سال، به وجود آمده، و تمدن آن، که در کنار رود نیل شکل گرفته است.

رود نیل یکی از طولی‌ترین و مشهورترین رودهای جهان که به مثابه ستون حیاتی کشور مصر بشمار میرود.

رود نیل تقریباً 6650 کیلومتر طول داشته و از کوه‌های مرکز قاره افریقا سرچشمه میگیرد. مصر آخرین کشوری است که رود نیل از آن می‌گذرد و به عبارت دیگر مصر «مصوب» نیل است، نه «منبع» آن و سپس به دریای مدیترانه می‌ریزد. میگویند مسافت رود نیل هفت ماه پیاده‌روی را در بر میگیرد که از آنجمله یک ماه آن در کشورهای اسلامی و دو ماه در کشورهای غیراسلامی و چهار ماه در مناطق غیرمسکونی جریان دارد.

رود نیل از شهرهای چون اوگاندا، سودان و مصر و از پایتخت‌های مشهوری چون خرطوم و قاهره می‌گذرد و طوری که گفتیم در نهایت به بحر مدیترانه وصل می‌گردد. در جایی که رود نیل به مدیترانه می‌ریزد، منطقه‌ای حاصلخیز به نام **دلتای نیل** قرار دارد.

تمدن مصر چندین هزار سال قبل از میلاد مسیح در کنار رود نیل شکل گرفته است.

یادداشت کوچک:

بسیاری از خوانندگان محترم زمانیکه بحث از رود نیل بعمل می‌آید، داستان معجزه اساء حضرت موسی علیه السلام و فرعون در ذهن‌شان خطور میکند. ولی داستان رود نیل به این داستان ربطه نداشته، و نجات حضرت موسی و غرق شدن فرعون در صحرای سینا و در **بحر احمر** صورت گرفته که مفسران آنرا بنام بحر «**قُلْزُم**» مسمی نموده‌اند. (علت نامگذاری بحر **قُلْزُم** به بحر احمر به علت است که در این بحر نوعی از گیاه می‌روئید که در فصل‌های معینی سال رنگ سرخ بخود اختیار میکند. **قُلْزُم**، مشهورترین نام این بحر بوده که از شهر قُلْزُم یا کُلوسمای قدیم که از شهری معروف سونز مصر است، گرفته شده است. این بحر بنام «بحر حجاز» و «خلیج عربی» و به ترکی «شباب (شاپ)

دینیزی» به معنای بحر مرجان نیز شهرت دارد .

قرآن عظیم الشان بخصوص درسوره های (قصص، اسراء و زخرف) می فرماید که فرعون و لشکرش که در تعقیب حضرت موسی بودند در بحر غرق شد. (نه در رود نیل) . آیه 92 سوره یونس به این داستان اشاره نموده می فرماید: «**الیوم ننجیک ببدنک لتکون لمن خلفک آیه...**»، یعنی بدن فرعون را از آب نجات دادیم تا نشانه‌ای برای دیگران باشد. و برآمدن جسد فرعون در ساحل بحر به عنوان عبرت و پند آموزی برای دیگران در قرآن عظیم الشان گفته شده است. اگرچه برخی از مفسرین هدف جسم فرعون را «زره» می‌دانند چون فرعون زرهی از طلا داشت که همه او را با آن علامت می‌شناختند و خداوند متعال فرعون را با آن زره به بالای آب آورد تا برای آیندگان عبرت و پند باشد. برخی مفسران نیز فعل «**ننجیک**» را از ماده «**نجوة**» می‌دانند نه «**نجات**». بنابراین چون «**نجوه**» به معنای زمین بلند است پس معنای آیه این است که: جسم فرعون را پس از غرق شدن بر بالای بلندی قرار دادیم تا همه او را ببینند و موجب عبرت و پند باشد. بر اساس شواهد تاریخی، فرعون مصر ادعای خدایی داشت و حضرت موسی علیه السلام را تهدید می‌کرد. این وضعیت همچنان ادامه داشت تا زمانی که موسی علیه السلام و قوم بنی اسرائیل به امر خداوند تصمیم به مهاجرت و خروج از مصر گرفتند. اما این پایان کار نبود؛ فرعون به همراه سپاهیان و لشکریان اش به تعقیب آن حضرت و یارانش پرداختند و در نزدیکی بحر به موسی علیه السلام و قوم بنی اسرائیل رسیده، به گمان خود، موسی علیه السلام و یارانش را در چنگ خود آوردند، ولی غافل از اینکه خداوند حافظ قوم بنی اسرائیل است. به امر خداوند موسی علیه السلام عصایش را به بحر می‌زند و در مقابل حیرت همگان آب بحر از دو طرف به کنار رفته، راه در وسط بحر ایجاد می‌شود. حضرت موسی علیه السلام به همراه قوم خود از بحر عبور میکنند. فرعون و یارانش هم در طمع به چنگ انداختن قوم بنی اسرائیل وارد این مسیر می‌شوند اما به امر خداوند موج‌های بحربه جای اول خود برمی‌گردند و فرعون و تمام لشکر اش در امواج بحر غرق شده و به هلاکت می‌رسند. به گفته قرآن فرعون به هنگام غرق شدن، وقتی مرگ را در برابر چشم‌های خویش می‌بیند اظهار توبه می‌کند اما این توبه قابل قبول پروردگار نیست. **والله اعلم بالصواب**

خصوصیات رود نیل

در مصر باستان، زندگانی مردم از راه زراعت در سرزمین‌های اطراف نیل سر و سامان می‌یابد طبیعت خصوصیت رود نیل همین است که آب این رود در ماه سرطان و فصل بهار به تدریج بالا می‌رود و به اصطلاح طغیان میکند و تا به چهل روز ارتفاع آب به اوج خود میرسد، در مدت این چهل روز چنان حالت آب خیزی در این رود ادامه می‌یابد که به اثر آن در بسا اوقات زمین‌های زرعتی و حتی خانه‌های گلی که در دو طرف رود نیل قرار دارد، مورد تخریب و هجوم آب قرار می‌گیرند، بناء مردم ساکن در دو طرف، کوشش میکنند که از ترس آب خیزی فصلی و روتین رود نیل، خانه و مسکن خویش را در تپه‌های همجوار این رود اعمار نمایند، و در مدت 40 روز آب خیزی رود نیل توسط کشتی‌های خرد و کوچک روزگار زندگی خویش را و به خصوص خرید و فروش اموال و سایر امور تجارتی در طرف رود نیل، سر و سامان دهند، و حتی کوشش میکنند ساکنان این مناطق مواد ذخیره را جمع‌آوری نمایند و از تردد زیاد در مدت چهل روز

جلوگیری کنند .

در وسط ماه های سنبله آب خیزی رود نیل و ارتفاع آب به تدریج کم گشته و در مدت چهل روز آب اهسته ، اهسته دوباره به وضع عادی خویش بر میگردد . و کار و بار و زراعت مردم با استفاده از نخیره آب دوباره آغاز می یابد .

در مورد علت و خصوصیت رود نیل علما و دانشمندان و مورخین اسلامی عموماً این خصوصیات حیرت انگیز را اثری از آثار قدرت و حکمت خدا و نمونه ای از نظم و هماهنگی ارکان طبیعت با زندگی و بقای نوع انسان دانسته اند و برخی از آنها به همین بیان اکتفا نموده و روش خدا و سنت الهی را در زمینه پیدایش این خصوصیات بیان نکرده اند و برخی از آنها روش خدا و سنت الهی را نیز در این زمینه نیز شرح داده اند از جمله:

- یاقوت حموی در معجم البلدان مینویسد: هر سال در آغاز ماه (بؤونه) که به ماه سرطان مصادف میگردد ، بر اثر تحول و تغییر هوا، بادهای شمالی می وزند و با ایجاد جزر و مدهایی به سوی جنوب، دریای مدیترانه را بر بستر رودخانه نیل سوار می کنند و از آب شور همین دریا یک سد نامرئی در برابر جریان آب نیل تشکیل می گردد و در نتیجه در آغاز ماه (بؤونه که مصادف میشود به ماه سرطان) آب نیل تدریجاً بالا می رود و در ماه (ابیاب که مصادف میشود به ماه اسد) ارتفاع آن به اوج خود می رسد و در ماه (سری مصادف ماه است به سنبله) به علت تحول و تغییرات هوا بادهای جنوبی وزیدن را آغاز می کنند و سدهای نامرئی به سوی شمال، رود نیل را بر بحر مدیترانه سوار می کنند و سدهای نامرئی آب شور دریا شکسته می شوند و در نتیجه جریان طبیعی آب نیل تدریجاً پائین آمده و فقط در بستر رودخانه جریان می یابد (معجم البلدان یاقوت حموی (کلمه نیل).

پیشنهاد مردم مصر به عمرو بن عاص

بعد از اینکه فتوحات اسلام در زمان خلافت حضرت عمر خلیفه دوم در شام و تسلیمی کلید های بیت المقدس از سوی اسقف اعظم قدس رونق گرفت ، مسلمانان فتوحات خویش را در مصر و شمال افریقا آغاز نمود .

طوری که در فوق یاد اور شدیم حضرت عمر بعد از فتح شام عمرو عاص را که با سرزمین مصر آشنا بود ، طرف مصر که در آن زمان زیر سلطه رومیان بود اعزام داشت . و به نتیجه درایت و فهم سیاسی مسلمانان ، اسکندریه و ودر نهایت در سال 641 میلادی (19 هجری قمری) مصر به دست مسلمانان فتح گردید .

اواخر بهار همان سالی که منطقه رود نیل به زیر پرچم اسلام درآمده بود، طبق روایت برخی از مؤرخان در آغاز سرطان همان سال اثری از بالا آمدن آب نیل مشاهده نگردید و مردم مصر در یک حالتی از رعب و هراس به نزد عمرو بن عاص آمدند و به او گفتند: «ای امیر طوری که امسال مشاهده کردیم آب رود نیل به موقع بالا نمی آید، رسم و عادت ما این است که در همچو حالات دختری را از پدر و مادرش خریداری می کنیم و او را به صورت یک عروس لباس می پوشانیم و آرایش می دهیم آن گاه به خاطر جلوگیری از قحطی و مرگ عمومی این عروس را به آب نیل می اندازیم تا بعد از مدتی، زود یا دیر، آب نیل بالا آمده و امکانات زندگی برای عموم اهل مصر تأمین گردد .» (البدایه و النهایه، ابن کثیر، ج7، ص100 و الفتوحات الاسلامیه، ص85 و معجم البلدان

یاقوت حموی کلمه نیل و خطط مقریزی، ج 1، ص 85 و النجوم الزهراء، ج 1، ص 35 و تاریخ الخلفاء، ص 49 به نقل اخبار عمر، ص 384.)

عمرو بن عاص بعد از استماع این داستان، پیشنهاد آن‌ها را امری خلاف عقل و خلاف مروت و ترحم و معتقدات اسلامی دانست و شدیداً این پیشنهاد را رد می‌کند، زیرا این که فردی قربانی جامعه‌ای بشود در شرایطی است که آن فرد به خاطر نیل به ارزشی والاتر از زندگی خودش شخصاً داوطلب این فداکاری شود نه این که پدر و مادر مسخ شده به خاطر مبلغی پول فرزند خود را به این خودکشی ناچار کنند و از این هم مهمتر این است که قربانی شدن یک شخص برای یک جامعه وقتی معقول است که با عقل و حس یقین حاصل شده باشد که فناء یک فرد قطعاً موجب بقای عمومی جامعه است و سپس فردی به خاطر نیل به ارزشی والاتر از زندگی برای این فداکاری داوطلب گردد. و عمرو بن عاص، در مورد وفات ابراهیم فرزند رسول‌الله صلی الله علیه وسلم حدیثی را از پیامبر اسلام شنیده بود که هیچ یک از حوادث و سوانح این جهان با حیات و ممات و مرگ و زندگی فردی از افراد بشر هیچ گونه ارتباطی ندارد و تمام حوادث این جهان برحسب سنت الهی هر یک معلول علت خاصی می‌باشند و بالا آمدن رود نیل نیز علت و عواملی دارد (مانند وزیدن باد شمال و جنوب و سوار شدن آب دریا در یک توجیه و دوری سرچشمه فوران آب نیل در توجیه دیگر) (معجم البلدان یاقوت حموی کلمه نیل) هر چند عمرو بن عاص در آن زمان شاید از این نوع توجیه‌ها آگاهی نداشته باشد و خلاصه عمرو بن عاص پیشنهاد اهل مصر را شدیداً رد کرد و اهل مصر در انتظار بالا آمدن آب نیل ماه‌های (بونه و ابیب و مسری رومی که مصادف میشود به ماه‌های سرطان اسد و سنبله) را به سر بردند و سپس از ترس گرسنگی و قحطی تصمیم گرفتند که عموماً از اطراف رود نیل کوچ کنند، زمانی که عمرو بن عاص این وضعیت مردم و اهالی مسکون در اطراف رود نیل را اطلاع حاصل نمود، موضوع کوچ کشی مردم، و ترس ورعب مردم را طی نامه‌ای به اطلاع امیرالمؤمنین حضرت عمر گزارش داد، و در ضمن موضوع پیشنهاد اهالی و ساکنان آن مناطق راهم به حضور امیرالمؤمنین نوشت. (البدایه و النهایه، ج 7، ص 100 و النجوم الزهراء، ج 1، ص 35 و خطط مقریزی، ج 1، ص 85 به نقل اخبار عمر، ص 384)

مورخان می‌نویسند: امیرالمؤمنین بعد از مطالعه نامه عمرو بن عاص و به خصوص پیشنهاد مردم را شدیداً رد کرد و طی نامه‌ای به عمرو بن عاص نوشت که هرگز آن‌ها را به چنین عملی اجازه مده و لوحه‌ای را که همراه نامه به تو می‌رسد در نیل بینداز. (البدایه و النهایه، ج 7، ص 100 و النجوم الزهراء، ج 1، ص 35 و خطط مقریزی، ج 1، ص 85 به نقل اخبار عمر، ص 384.)

عمرو بن عاص لوحه ارسالی را که ضمیمه نامه بود گرفت، در این لوحه حضرت عمر نوشته بود: «مَنْ عَبَدَ اللَّهَ عُمَرَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى نَيْلِ مِصْرَ، أَمَا بَعْدُ فَإِنْ كُنْتَ إِنَّمَا تَجْرِي مِنْ قَبْلِكَ وَ مِنْ أَمْرِكَ فَلَا حَاجَةَ لَنَا فِيكَ وَ إِنْ كُنْتَ لَنَا تَجْرِي بِأَمْرِ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ وَ هُوَ الَّذِي يَجْرِيكَ فَنَسْأَلُ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يَجْرِيكَ» از بنده خدا عمر امیرالمؤمنین، به نیل مصر؛ اگر چنانچه تو از طرف خود و به امر خود جریان می‌یابی، پس جریان پیدا نکن که ما هیچ نیازی به تو نداریم و اگر هم چنین است که تو به فرمان خدای واحد قهار جریان می‌یابی و تنها او است که تو را جاری می‌کند، پس از خدای متعال عاجزانه تمنا می‌نماییم که تو

را جاری نماید» و وقتی این لوحه ورقی را در رود نیل انداختند فردای همان روز که شنبه بود مشاهده کردند که خدا افزایش آب نیل را در یک شب شانزده ذراع بالا برده است و در پرتو هدایت دین اسلام، این رسم غلط و سیه‌دلانه زنده به نیل انداختن دختران بی‌گناه مصری، برای همیشه ملغی گردید. (البدایه و النهایه، ج 7، ص 100 و النجوم الزهراء، ج 1، ص 35 و خطط مقریزی، ج 1، ص 85 به نقل اخبار عمر، ص 384).

خواننده محترم !

در مورد نامه حضرت عمر به رود نیل نظریات مختلفی در تواریخ از طرف علماء تحریر یافته است و برخی از نویسندگان و مؤرخان متعصب مسیحی مانند بتلر به نقل از هیکل این مطلب را اساساً انکار کرده‌اند و گفته‌اند در تاریخ مسیحیت نه در مصر و نه در غیر مصر هم چنین اتفاقی ابداً روایت نشده (الفاروق عمر، هیکل، ج 2، ص 266. البته بتلر اعتراف کرده است که فراعنه مصر هم چنین عادت بدی را داشته‌اند ولی مسیحی‌های مصر به علت مسیحی بودن هرگز این عادت را نداشته‌اند و هیکل نیز این عادت را به مردم سودان قدیم نسبت داده است.)

هیکل گفته تنها چیزی که روایت شده این است که گاهی گودیگک را از چوب به شکل دختری آرایش داده و قبل از آب خیزی رود نیل آنرا در رود نیل انداخته و با این که یک رسم خرافی هم بوده ولی چون سبب آرامش خاطر مردم ناآگاه بوده، حکما و دانشمندان مسیحی آن را نادیده گرفته و بر آن اعتراض نکرده‌اند اما وجود همین رسم خرافی نیز از طرف مؤرخان اهل تحقیق مردود و باطل اعلام شده است. (الفاروق، عمر، ج 2، ص 266، هیکل این مطلب را در رد گمان بتلر گفته است که بتلر گمان کرده فراعنه دختران را زنده به نیل می‌انداختند ولی مصری‌های مسیحی هم چنین عادت را نداشته‌اند.)

ولی از مؤرخان معاصر اسلامی (علی طنطاوی و ناجی طنطاوی) در اخبار عمر، صفحه 283 و 284 تحت عنوان (فراست و کرامات عمر) این مطلب را از مراجع متعددی نقل کرده‌اند ولی با آنهم در پاورقی آن نوشته‌اند که این مطلب صحت ندارد و فقط به این خاطر آن را نوشته‌ایم که در بین مردم شهرت یافته است نه به خاطر این که مطلب صحیحی می‌باشد.

همچنان دکتر محمد حسین هیکل در (الفاروق عمر) بخش اول مطلب را (این که مصریان دختران خود را زنده در رود نیل انداخته‌اند) ناصحیح می‌داند و آن را ناشی از یک افسانه یونانی مربوط به (پلوتارک) می‌داند. (الفاروق عمر، جلد 2، صفحه 267، که گویا (جیتوس) پادشاه مصر در مقابل رد بلاها نذر کرده دخترش را زنده در رود نیل بیندازد و دخترش را در نیل انداخته و بعد از شدت ناراحتی مرگ دخترش خودش را نیز در نیل انداخته است.)

در مورد نامه امیر المومنین حضرت عمر که بشکل کارت برای رود نیل تحریر یافته بوده، «استاد سلیم» یکی از علمای مشهور کشور مصر که در بخش موزیم و نامه‌های عتیقه تخصص دارد می‌نویسد که: این کارت را مانند نامه‌هایی می‌داند که پادشاهان قدیمی مصر به منظور بالا آمدن آب نیل در رود نیل می‌انداختند و هیچ کدام از محدثان و مورخان قدیم اسلامی این روایت را خرافی و افسانه و بی‌اساس اعلام نکرده‌اند و هر چند موطا و مسلم و بخاری و بقیه صحاح سته در مناقب عمر (رض) از این مطلب اساساً

بحث نکرده‌اند و اما قشیری نیز در بحث کرامات و روایت مطلب "یا ساریة الجبل" از این مطلب بحثی نکرده است.

و هم چنین تاریخ طبری و تاریخ کامل ابن اثیر نیز در فتح مصر از این مطلب بحث نکرده‌اند و مورخان و دانشمندانی که این مطلب را روایت کرده و آن را تأیید هم نموده‌اند عبارتند از: البدایه و النهایه ابن کثیر و تاریخ الخلفاء و الفتوحات الاسلامیه و معجم البلدان یاقوت حموی و خطط مقریزی و النجوم الزهراء و شرح عقاید نسفی علامه تفتازانی و الفتوحات و شرح عقاید ، و در جمله کرامات حضرت عمر (رض) یکی هم موضوع نامه به رود نیل تحریر داشته اند .

امام فخر رازی مفسر مشهور جهان اسلام در تفسیر خویش در باره کرامات حضرت عمر و بخصو نامه حضرت عمر به رود نیل می نویسد :

الثاني : روي أن نيل مصر كان في الجاهلية يقف في كل سنة مرة واحدة وكان لا يجري حتي يلقي فيه جارية واحدة حسناء ، فلما جاء الإسلام كتب عمرو بن العاص بهذه الواقعة إلي عمر ، فكتب عمر على خزفة : أيها النيل إن كنت تجري بأمر الله فاجر ، وإن كنت تجري بأمرك فلا حاجة بنا إليك ! فألقيت تلك الخزفة في النيل فجري ولم يقف بعد ذلك .

تفسیر الرازی ، الرازی ، جلد 21 ، صفحه 88 .)

رود نیل طغیان کرده بود و خانه های مردم داشت نابود می شد. آمدند خدمت عمر بن خطاب که ای خلیفه رسول الله! به داد ما برس که خانه های مان رفت. جناب عمر بن خطاب گفت: يك سفالي براي من بیاورید؛ سریع برای او آوردند و با دست مبارکش بر روی آن سفال نوشت:

اگر به امر خداوند جاری می شوی، پس جاری شو و اگر به امر خودت جاری می شوی، ما کاری نداریم هر کاری می کنی بکن.

بعد از آن، این رود نیل دیگر طغیان نکرد و مردم از طغیان رود نیل رهایی یافتند .

پایان